

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

برگردان از: حمید محوی
۱۳ دسمبر ۲۰۱۴

گزارشات قدیمی ولی همیشه تازه در گاهنامه هنر و مبارزه آدم ربائی و شکنجه توسط سرویس های اطلاعاتی ایالات متحده

پیشگفتار:

به نقل از مقاله ای که امروز اسماعیل هوشیار فرستاد:

«درتویتر و صفحه فیسبوکی خامنه ای از جمله آمده است: " امروز دولت امریکا سمبل ظلم علیه بشریت است، حتی مردم امریکا با این ظلم مواجه است»

خبرگزاری فرانسه بلافاصله می افزاید برخی کاربران با گذاشتن عباراتی مانند اعدام ریحانه جباری و دستگیری و شکنجه و قتل عام زندانیان سیاسی در ایران و تجاوز سیستماتیک اسلامی در کهریزک، به اظهار نظر خامنه ای واکنش نشان دادند. کاربران اینترنتی با دهن کجی آشکار به سیستم حاکم شکنجه گراسلامی... پاسخهای دندان شکنی به او داده اند.» (در «عظمت آن ارتجاع» <http://www.tipf.info/azemate,an,ertejaee.htm>)

در اینجا چند موضوع می تواند مطرح باشد. ابتداء باید بگویم که موضوع کاربرد شکنجه و دیگر جنایاتی که ایالات متحده و ناتو در جنگ های معاصر مرتکب شده است، در گاهنامه هنر و مبارزه موضوع تازه ای نیست. ولی این گونه به نظر می رسد که با تأیید کنگره اطلاعاتی ایالات متحده و احتمالاً «هشدار» دیوید کامرون، رسانه های فارسی زبان نیز دچار تب شکنجه شده اند (جو گیر شده اند). ولی با توجه به مقاله حاضر می بینیم که موضوع شکنجه برای «صدای روسیه» نیز قدمت تاریخی دارد و به دو سال پیش باز می گردد. در شبکه ولتر نیز قدمت برخی مقالات پیرامون همین موضوع به بیش از ده سال الی ۱۳ سال پیش باز می گردد.

موضوع بعدی به واکنش «برخی کاربران» و برخی رسانه های اپوزیسیون های ایرانی در خارج از کشور باز می گردد. البته من به قول ضرب المثل فرانسوی ها «وکیل مدافع شیطان نیستم» و نمی توانم مدافع دین اسلام باشم که در استخر سر ۴۰۰۰۰ از نیاکان ایرانی را برید و به مادران و دختران ایرانی تجاوز کرد و طی ۱۴۰۰ سال با تروریسم و جنایت و در اتحاد کامل مثل امروز با طبقات حاکم و قدرتمندان جهان، ایرانیان را از انسانیت انسانی خود محروم ساخت و آنها را به دورانی از توقف تحول تاریخی محکوم کرد و بعد هم به دروغ تبلیغ کردند که ایرانی ها مقاومت نکردند و خودشان به اسلام تسلیم شدند و خودشان سر خودشان را حتماً بریده اند... و امروز نیز اگر ایرانی ها همه «امت اسلامی» هستند، خودشان خواسته اند... فقط هر کسی بخواهد از دین خارج شود حکمش مرگ است. آدم ربائی در این سطح البته جای شگفتی دارد و باور کردنی نیست. ولی حکومت دین اسلام در ایران طی ۱۴۰۰ سال با تروریسم و دروغ پردازی در مورد اسلام و اعتقادات دینی به این جنایت و آدم ربائی عظیم نائل آمده است. در نتیجه من نمی توانم

مدافع جمهوری اسلامی باشم، و علاوه بر این کشتار زنجیره‌ئی برای من به کشتار سال‌های ۶۰ محدود و خلاصه نمی‌شود— که گویا غالباً به گروه مجاهدین خلق تعلق داشته‌اند و غالباً نیز به این موضوع اشاره نمی‌کنند چرا که می‌دانند که ایرانی‌ها ارادت خاصی به مجاهدین خلق ندارند به همین علت «کشتار سال‌های ۶۰ را همیشه به شکل ابهام‌آمیزی مطرح می‌کنند و به طوری که نام مجاهدین خلق قید نشود، در خیلی از موارد دیگر نیز به همین گونه است تا تأثیرات تبلیغاتی را خنثی‌ن سازند — بلکه کشتارهای زنجیره‌ئی برای من از همان قرن اول اسلامی شروع می‌شود، از حمله اسلام به ایران شروع می‌شود (که معمولاً با پافشاری سعی می‌کنند نگویند حمله اسلام و غالباً می‌گویند حمله اعراب که اسلام را در پیشگاه افکار عمومی ایرانیان از زیر ضرب بیرون بکشند)، که یک رقمش همان ۴۰۰۰۰ سر بریده و تجاوز به زنان و دختران ایرانی و رقم خوردن بردگی اسلامی در استخر (استان فارس کنونی) تا امروز است.

ولی موضوع واکنش «کاربران» یک داستان دیگری را روایت می‌کند، و با قربانیان استخر و با دستگاه دین اسلام کاری ندارد... سرنگون سازی جمهوری اسلامی در رکاب سازمان سیا برایشان کافی به نظر می‌رسد.

کوتاه سخن: این «کاربران» در مورد اتهاماتی که به خامنه‌ای و جمهوری اسلامی وارد می‌دانند هر اندازه به حق باشند، چنین واکنشی به یکی از عادات قدیمی سگ‌های نگهبان در پیکره‌اپوزیسیون‌های پنتاگونی تعلق دارد و آن هم این است که در چنین مواردی که رسوائی امپریالیست‌ها در سطح جهانی مطرح می‌شود، سعی می‌کنند تمام داستان را روی جمهوری اسلامی و کهریزک متمرکز و محدود سازند، و به عبارت دیگر با تبلیغاتشان کاری می‌کنند که افکار عمومی ایرانیان موضوع اصلی را به فراموشی بسپارد.

به عبارت دیگر قانونمند نیستند و حاضر نیستند— در واقع ضروریات حرفه‌ئی به آنها اجازه نمی‌دهد — که هر موضوعی را به جای خودش بیاموزند و مطرح کنند البته بی‌مناسبت نیز نمی‌باشد که ما رویدادهای مختلف جهان را با یک دیگر در تلافی قرار دهیم و از روابط دیالکتیک نتیجه‌گیری کنیم. ولی این «کاربران» مسیر دیگری را می‌پیمایند و هدفشان غرق کردن موضوع جنایات سازمان سیا است.

گاهنامه هنر و مبارزه/ پاریس / حمید محوی/ ۱۲ دسمبر ۲۰۱۴

آدم ربائی و شکنجه توسط سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده

۰۳ سپتمبر ۲۰۱۲



دفاع از حقوق بشر همواره یکی از موضوعات مورد توجه امریکائی‌ها بوده، و روشن است که حق بنیادی حق زندگی برای افراد است. پنجمین ماده اصلاحی قانون اساسی در ایالات متحده می‌گوید: «بی‌آن که رأی دادگاه صادر شده باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند از حق زندگی، آزادی و مالکیت محروم بماند».

با این وجود سرویس‌های مخفی امریکا از مدت‌ها پیش این حق را در مورد شهروندان کشورهای دیگر نقض می‌کنند، آدم ربائی می‌کنند و بی‌هیچ رأی صادر شده‌ای از سوی دادگاه افرادی را از زندگی محروم می‌سازند. علاوه

بر این، با شهروندشان خودشان نیز به همین شکل رفتار می کنند. آنچه بیش از همه موجب نگرانی می باشد، این است که چنین رویدادهائی در گذشته دور، در دوران جنگ سرد به وقوع نپیوسته، بلکه به دوران معاصر ما و حتی امروز تعلق دارد.

مأموران سازمان سیا به شکل سرّی افرادی را شکنجه می کنند و به قتل می رسانند ولی نه تنها به خاطر جنایاتی که مرتکب شده اند در دادگاه محاکمه نمی شوند بلکه پاداش هم می گیرند. چنین اعمالی پس از سوء قصدهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و گسترش یافت، یعنی از وقتی که واشنگتن علیه تروریسم بین المللی اعلام جنگ کرد. امروز می دانیم که طی این جنگ هر نوع عمل و روشی جایز تلقی شده است.

در سال ۲۰۱۱ روزنامه نگاران آسوشیند پرس به انتشار موارد جنجالی دست زدند. یک مأمور از آنتن سازمان سیا در لهستان شاهد شکنجه های یک زندانی طی بازجویی توسط یک مأمور دیگر بوده بی آن که به چنین روشی اعتراض کند. چند وقت بعد، او به عنوان رئیس دفتر سازمان سیا برای اروپای مرکزی، و به ویژه به عنوان مسؤل تمام عملیات ها در خاک روسیه برگزیده شد.

در نوامبر ۲۰۰۲، فرد مظنون به تروریسم به نام گل رحمان در یکی از زندان های سرّی سیا در افغانستان جان خود را از دست داد. گل رحمان را در سلولی بدون شوقاژ انداخته بودند، در حالی که دمای هوا در خیابان زیر صفر را نشان می داد.

در تجسساتی که پس از مرگ او صورت گرفت، آشکار شد که افسر ارشد زندان چندین بار از رؤسایش در افغانستان برای گرم کردن سلول ها درخواست بخاری فرستاده بوده، ولی هیچ پاسخی دریافت نکرده بوده است. پس از این رویداد، رئیس آنتن سیا در افغانستان حتی یک بار نیز به خاطر اهمال در انجام وظایفش مورد بازپرسی قرار نگرفت. خالد المارسی، شهروند المانی لبنانی تبار که برای تعطیلات به مقدونیه رفته بود توسط مأموران سیا از یک اتوبوس توریستی ربوده شده و سپس او را به یکی از زندان های افغانستان منتقل می کنند و تحت شکنجه های پیشرفته قرار می گیرد. یک سال بعد، مأموران سیا پی می برند که دچار اشتباه شده اند (مترجم: فرد مظنون هم نام او بوده است).

مبارزه علیه تروریسم بهانه خوبی برای فعالیت های مشکوک سرویس های سرّی امریکا است. بر همگان آشکار است که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سازمان سیا شبکه ای از زندان های مخفی ایجاد کرد که افراد مظنون به فعالیت های تروریستی در آنجا زندانی می شدند. از این نوع زندان ها در تایلند، رومانی، لهستان، مراکش و افغانستان ایجاد شده بود. فرمان تعطیل کردن این زندان ها در سال ۲۰۰۹ توسط رئیس جمهور بارک اوباما صادر شد.

طی بازجویی ها نمایندگان سرویس های مخفی امریکا دائماً با زندانیان به شیوه غیر انسانی و تحقیر آمیزی رفتار می کردند. این مقامات اطلاعاتی مسؤل ایجاد چنین زندان هائی هستند و هنوز درباره سیاست اروپا که بازگشائی این زندان ها را در خاک اروپا مجاز دانسته، چیزی گفته نشده است. بازجوهای سازمان سیا در این زندان ها برای اعتراف گیری از زندانیان از سلاح گرم، مته برقی، شبیه سازی اعدام استفاده می کردند. به گفته برخی زندانیان، سربازان امریکائی به آنها تجاوز می کردند، رویشان سوار می شدند و آنها را مجبور می کردند که در توالی غذا بخورند.

آنچه بیش از همه برای ما جای شگفتی دارد این است که چنین وقایعی در اتحادیه اروپا روی داده است. در لیتوانی، یک شرکت امریکائی تقلبی اسطبل قدیمی را برای تبدیل کردن آن به زندان خریداری کرد و پیرامون محوطه را با سیم خاردار و دوربین های پیشرفته حفاظتی مجهز کردند، با این وجود هیچ یک از این تمهیدات موجب کنجکاو مقامات محلی نشد.

در برخی موارد این رفتارهای خشونت بار گریبان شهروندان امریکائی را نیز می گیرد. در پائیز ۲۰۱۱، سازمان سیا تصمیم گرفت عملیات تنبیهی در خاک یمن انجام دهد. یک پهپاد MQ-9 دو موشک روی یک کاروان اتومبیل شلیک

کردند که در نزدیکی دهکده ال هصاف Al-Hassaf در ۱۵۰ کیلومتری شرق پایتخت در حال حرکت بود. سه امریکائی مظنون به تروریسم کشته شدند. در تابستان ۲۰۱۲، سازمان های دفاع حقوق بشر درخواست کردند که دستگاه قضائی رئیس سازمان سیا، وزیر دفاع و فرماندهان بخش عملیات ویژه پنتاگون را محاکمه کنند. با این وجود دولت ایالات متحده تا کنون حمله پهباد در یمن را بازشناسی نکرده است. قضات سازمان های نامبرده بر این باور هستند که گزارش محرمانه ای در سطح وزارت دادگستری وجود دارد که حذف شهروندان امریکائی فعال در زمینه تروریستی را مجاز می داند.

منبع :

http://french.ruvr.ru/2012_09_03/services-speciaux-etats-unis-tortures/

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۲ دسمبر ۲۰۱۴